

کار می‌افتد و بی‌اثر می‌شود.

اما طرفه این است که در انگاره مولانا در اینجا هم باز راه «بسته» نمی‌ماند و همین قضا و قدر را نیز می‌توان دگرگون کرد. مولانا با نگاه به چشمان مهربان خدا در اینجا نیز آدمی را برای همیشه محکوم و پرونده او را مختوم نمی‌بیند. او می‌تواند باز گردد و به یقین دست لطف خدا هم دستگیرش می‌شود. پای دعا نیز همین جا به میان می‌آید و آیات و احادیث بسیار در توصیه به دعا نشان می‌دهد که دعا نیز خود از مظاهر قضا و قدر است و این تأثیر شگرف دعا در جای جای مثنوی با زبانی پرشور نموده می‌آید.

عنوان مقاله : تخفیف مصوت‌های بلند و کوتاه در زبان فارسی

نویسنده : عباسعلی وفایی

مآخذ : مجله زبان و ادب، شماره ۱۲، (تابستان ۷۹)، ص ۴۶-۵۷

«تخفیف» در اصطلاح اختصار کلمه برای سهولت و برداشتن تنوین و تشدید از آن است؛ همچنین حذف بعضی از حروف یک کلمه برای کوتاه کردن آن را تخفیف گویند. تخفیف یا کاهش‌های آوایی، بیشتر در نظم فارسی صورت گرفته است و آن به دلیل تقیدی است که نظم فارسی به کمیت‌های هجاهای منظم داشته است: در جایی که شاعر ناگزیر از استخدام واژه‌ای در نظم بوده، اما عدم تساوی کمیت‌های هجایی اجازه بهره‌مندی از آن واژه را به او نداده، از تخفیف استفاده کرده است. این گونه تخفیف‌ها تا حدی است که به معنی و مفهوم آسیبی نرساند.

در این مقاله سعی شده است که در حوزه صرفی زبان، به قواعد تخفیف مصوت‌های کوتاه (آ، ا، آ) و بلند (آ، ای، او) پرداخته شود و متناسب با آن قواعدی ارائه گردد. در ضمن مقاله برای هر کدام از مثالها، چندین شاهد شعری آورده شده است:

۱- تخفیف مصوت بلند آ/ا در آغاز کلمه، آن‌گاه که پس از صامت‌های س، ز، ژ... باشد؛ برای مثال: آستانه / ستانه، آزاد سرو / زاد سرو، آبرومند / برومند و...

- جهاندار فرمود کان زاد سرو فرو شوید از دامن خویش گرد
- ۲- تخفیف مصوت بلند آ/a در میان کلمات؛ برای مثال: زرآگند / زرگند، نام آور / نامور، ناآزموده / نازموده و...
- ۳- تخفیف و تبدیل مصوت بلند آ/a به مصوت کوتاه آ/a؛ برای مثال: تباه / تبه، سپاه / سپه، شمار / شمرو...
- ۴- تخفیف مصوت کوتاه آ/a در آغاز کلمات، بویژه آنگاه که پس از صامت‌های س، ش، ف آمده باشد؛ برای مثال: ابریشم / بریشم، افکند / فکند، ابوذر / بوذر و...
- ۵- تخفیف مصوت بلند او/u به مصوت کوتاه ا/ا؛ برای مثال: هوش / هُش، بود / بُد، فراموش / فرامُش و...
- ۶- تخفیف مصوت کوتاه ا/ا در آغاز کلمه؛ برای مثال: استخوانی / ستخوانی، اسطرباب / سطرلاب، ام غیلان / مغلان و...
- ۷- تخفیف مصوت بلند ای/i به e/ا؛ برای مثال: نیکو / نکو، جاویدان / جاودان، ایستاده / استاده و...
- ۸- تخفیف مصوت کوتاه e/ا در آغاز کلمات؛ برای مثال: اسکندر / سکندر، استبرق / ستمبرق، ابلیس / بلیس و...

عنوان مقاله: بررسی فعل «است» در فارسی و پهلوی

نویسنده: ماهیار نوابی

مأخذ: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد،

شماره اول و دوم، سال سی و سوم (بهار و تابستان ۷۹) ص ۲۳ تا ۳۱

فعل «است» (مصدر: استن) در طی دوره‌های مختلف زبان فارسی به شکل‌های مختلفی تغییر پیدا کرده و تحولات فراوانی داشته است. در این مقاله سیر تحول مصدر «استن» نشان داده شده است. در فارسی میانه «ه» و «الف» را یک نشان بوده و «هست» و «است» را یکسان می‌نوشته‌اند. در لغت نامه دهخدا مصدر «هستن» به معنی وجود داشتن و زیستن آمده است؛ مصدر «استن» نیامده است ولی زیر واژه

«است» می‌نویسد: صورتی از کلمه هست است و آن مفرد غایب است از مصدر استن؛ اما در فارسی نو هیچ یک به گونه مصدر به کار نرفته است. اگر «ن» پایان مصدر «استن» را بر دارند بر عکس فعلهای دیگر که زمان گذشته به است می‌آید (خوردن، خورد) فعل زمان حال دارد و سوم شخص است. اما گذشته آن چیست؟ نویسنده مقاله می‌گوید: است که سوم شخص زمان حال است و هم استی آنگاه که معنای زمان حال دارد بایستی از فعل دیگری باشد و آن «ایستادن» است و «است» کوتاه شده «ایستد» (sstet) است اگر چه می‌تواند کوتاه شده «ایستاد» هم باشد. این فعل یعنی ایستادن و صیغه‌های حال و گذشته آن یعنی ایستد و ایستاد به جای بودن (بود و بود) در فارسی میانه و نو بسیار به کار رفته است. نویسنده برای هر کدام شواهد مثال آورده است.

عنوان مقاله: در زبان فارسی جمله ساخت ثابتی ندارد

نویسنده: عباسقلی محمدی

مآخذ: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد،

شماره اول و دوم، سال سی و سوم، (بهار و تابستان ۷۹)، ص ۲۱۵

تا ۲۳۰

در دستور زبان فارسی جمله مثل بسیاری دیگر از مسائل دستوری وضع مشخصی ندارد و این مسائل از مطالعه کتابهای دستور به دست نمی‌آید؛ انسان همه مقاصد خود را نمی‌تواند به کمک یک ساخت جمله (فاعل - مفعول - فعل) بیان کند و آنچه ساخت جمله را شکل می‌دهد همان واقعیت و ضرورت‌های بیانی است و این مطلب از زبانهای قدیم رایج در ایران از جمله اوستا، فارسی باستان و میانه تا به امروز و در کتابهای نثر قدیم از جمله مقدمه شاهنامه ابومنصوری، تایخ بیهقی و... استخراج می‌شود. پس جمله با توجه به گذشته‌های زبان فارسی و از نظر محل ارکان و وابسته‌ها دارای ساختی آزاد است و آنچه محل ارکان را معین می‌کند واقعیت، ضرورت‌های بیانی و سبک سخن بوده است. البته در کتابهای دستور این

مطلب اضافه می‌شود که در فارسی مصطلح گاهی فعل را بر مفعول به واسطه مقدم می‌دارند و بعد توجیه می‌کنند تغییر محل اجزای جمله از طریق بلاغی صورت می‌پذیرد. اما واقعیت این است که جمله دو نوع ساخت دارد:

ثابت و آزاد. کسانی از جمله استاد ملک‌الشعرا بهار، ساخت آزاد جمله را متأثر از زبان عربی می‌داند اما نگارنده مقاله آن را یکی از خصایص ذاتی زبان فارسی و در واقع یکی از جهانیهای دستور می‌داند. آل احمد یکی از کسانی است که در استفاده از ساخت آزاد جمله هم از ادبیات قدیم و هم از زبان فارسی گفتاری تأثیر پذیرفته است. او با این کار، زبان را از حالت تصنعی و کلیشه‌ای خارج ساخته و روح طبیعی زبان را تاحدودی به آن بازگردانیده است.

عنوان مقاله: «سَخْن» یا «سَخَن»

نویسنده: عطا محمد رادمثنش

مأخذ: نشر دانش (فصلنامه ادبی، فلسفی، تاریخی)، سال هجدهم، ش

دوم، (تابستان ۸۰)، ص ۲۴ تا ص ۲۶

این مقاله رد نظر استاد مجتبی مینوی در خصوص کلمه «سَخْن» و نوع تلفظ آن است. مرحوم مینوی در تصحیح داستان رستم و سهراب شاهنامه در توضیح کلمه سَخْن در بیت:

تو مهمان من باش و تندی مکن به کام تو گردد سراسر «سَخْن»
فرموده است: «در زمان فردوسی در زبان رسمی و ادبی ایران سَخْن به فتح سین و ضم خاء تلفظ و نوشته می‌شده است...». نگارنده مقاله معتقد است با بررسی که در شاهنامه و متون نظم همعصر فردوسی و قبل و بعد آن انجام داده است به این نتیجه رسیده که کم نیستند ابیاتی که در آنها سَخْن با تَن، مَن، پیلتن، انجمن و... هم قافیه شده است؛ این همه کاربرد را نمی‌توان سهو ناسخان شمرد و یا در اصالت این ابیات تردید داشت. به این منظور شواهد مثالهایی از ابیات شاهنامه و متون نظم و نثر دیگر از جمله حدیقه سنایی، دیوان مسعود سعد، دیوان قطران تبریزی، ورقه،

گلشاه، گرشاسب نامه و... نقل و بیان می‌کند. این همه شواهد ثابت می‌کند در زمان فردوسی و قبل و بعد از او، در خراسان بزرگ آن روزگار و نواحی نزدیک بدان «سُخَن» به فتح خاء نیز تلفظ می‌شده است.

عنوان مقاله: واژه‌گزینی از گذشته نزدیک تا آینده

نویسنده: غلامعلی حداد عادل

مآخذ: نامه فرهنگستان، دوره پنجم، ش دوم (مهر ۸۰)، ص ۲-۷

(سرمقاله)

این سرمقاله به ترسیم دور‌نمایی از کم و کیف واژه‌گزینی در فرهنگستان اختصاص دارد. در باب برگرداندن لغات و اصطلاحات علمی و فنی خارجی به فارسی اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی اصلاً چنین کاری را غیر لازم و کم‌فایده و حتی ناممکن می‌دانند و گروهی دیگر بر خلاف آنان معتقدند باید واژه‌گزینی را به جد گرفت و با یافتن و ساختن معادل‌های مناسب و دلپسند فارسی برای الفاظ بیگانه در حوزه علم و فن، زبان فارسی علمی را تجهیز و تقویت کرد. اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، که خط مشی فرهنگستان را تعیین می‌کنند، به همین گروه دوم تعلق دارند.

پس از اینکه اساسنامه فرهنگستان در اواخر سال ۶۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، یکی دو سالی وقت لازم بود تا راه و رسم واژه‌گزینی شناخته شود و آیین‌مندیهای لازم به وجود آید. در نخستین قدم «اصول و ضوابط واژه‌گزینی» پس از بررسیها و بحثهای طولانی در شورای فرهنگستان به تصویب رسید و شرحی بر یکایک این اصول و ضوابط افزوده شد و از این رهگذر جزوه‌ای پدید آمد که در فرهنگستان به رسمیت شناخته شد و به صورت منشور واژه‌گزینی در آمد. فراوانی اصطلاحات بیگانه در همه رشته‌های علمی و فنی نیز ایجاب می‌کرد در کار واژه‌گزینی «اولویت بندی» شود و تشخیص اولویتها مستلزم تعیین معیار و ترازو بود. لذا «راهنمای تعیین اولویت در واژه‌گزینی» نیز تدوین و تصویب

شد. از نظر اداری و سازمانی نیز در فرهنگستان گروهی به نام گروه واژه‌گزینی با مدیریت یکی از اعضای پیوسته به وجود آمد و مقرر شد کارشناسان این گروه پس از بررسی‌های لازم، پیشنهادهای خود را به شورایی به نام شورای واژه‌گزینی مرکب از جمعی از اعضای پیوسته و بعضی از صاحب‌نظران عرضه کنند و آنچه در این شورا به تأیید می‌رسد بر حسب عمومی یا تخصصی بودن واژه‌ها و مقوله آنها به مردم و یا محافل و مجامع حرفه‌ای و تخصصی در رشته‌های متعدد علوم و فنون عرضه شود. کار واژه‌گزینی در فرهنگستان با معادل‌یابی برای واژه‌های عمومی آغاز شد. مقصود از واژه‌های عمومی واژه‌هایی است که کاربرد آنها در حوزه متخصصان محدود نمی‌ماند و به زبان عامه مردم راه می‌یابد و در مطبوعات و کتابها رواج دارد. با یک تحقیق گسترده چند هزار اصطلاح و لغت خارجی از لابه لای نوشته‌ها و آگهی‌های بیش از یکصد نشریه ادواری سال ۷۲ با ذکر بسامد آنها شناخته شد و فرهنگستان از آن میان سیصد واژه را واجد اولویت شناخت و در دستور کار خود قرار داد و پس از معادل‌یابی، حاصل کار را در دو جزوه منتشر کرد و در اختیار عموم مردم و صاحب‌نظران قرار داد.

در عرصه واژه‌های تخصصی نیز گروه‌هایی تخصصی تشکیل شد که مرکب از چند نفر از متخصصان علاقه‌مند و آشنا به معادل‌یابی بود که نخستین گروه تخصصی واژه‌گزینی، گروه «مترو» بود. مجموع معادلهای پیشنهادی که از سوی گروه تخصصی واژه‌گزینی تا پایان تیر ماه ۸۰ به شورای واژه‌گزینی ارائه شده حدود ده هزار واژه است که تاکنون حدود هزار و پانصد واژه در این شورا و از این شماره پانصد و شصت واژه در شورای فرهنگستان به تصویب رسیده است.

گروه واژه‌گزینی بر حسب آنچه از آیین‌نامه «راهنمای تعیین اولویت در واژه‌گزینی» مستفاد می‌شود، معادل‌یابی برای لغات و اصطلاحات فرنگی موجود در کتابهای درسی ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را در اولویت قرار داد و این کار هم اکنون مراحل نهایی را طی می‌کند.

در سالهای گذشته، فرهنگستان به تربیت گروهی از کارشناسان اهتمام ورزیده و با حضور آنان در جمع متخصصان، ارتباط و همکاری متقابل فرهنگستان و

گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی را در عمل ممکن ساخته است. از این رهگذر بدین نکته مهم پی برده‌ایم که واژه‌گزینی در جهان امروز، خود علم است؛ علمی فراهم آمده از چندین رشته علمی دیگر که می‌باید در ایران نیز هویت و رسمیت پیدا کند. برای شناختن و شناساندن دانش واژه‌گزینی به منزله رشته‌ای علمی در سالهای گذشته چند گام بلند برداشته شده و امید است در آینده‌ای نزدیک این اقدام در قالب برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد ظاهر شود و فرهنگستان بتواند به صورت مستمر کارشناسان رشته‌های متعدد علمی را در این دوره پذیرد و آنان را از این مهارت برخوردار کند. گامهایی که برای رسیدن به این مقصود برداشته شده یکی برگزاری دو دوره‌ی نه ماهه آموزشی آزاد واژه‌گزینی است و دیگر برپایی نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی و سرانجام ارتباط دایم با مجامع جهانی واژه‌گزینی و اعزام چندین گروه کارشناس به اروپا برای شرکت در گردهماییها و دوره‌های آموزشی واژه‌گزینی و به انجام رساندن چند تحقیق و ترجمه در مسائل و مباحث واژه‌گزینی است.

ما در پی آنیم تا با آگاه کردن قاطبه دانشمندان و دانشجویان کشور به ضرورت و اهمیت دستیابی به زبان فارسی علمی، غیرت و همت ملی را برانگیزانیم و همزمان با تشویق نخبه‌های هر رشته به اهتمام به واژه‌گزینی، گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی را توسعه دهیم. فرهنگستان در قدم اول سعی می‌کند با یافتن معادل برای شماری در حدود صد واژه از هر حوزه و انتشار آنها الگویی به دست دهد تا به مثابه شاخصی برای نشان دادن راه به همه کسانی باشد که علاقه دارند علم و فن را به زبان فارسی عرضه کنند. آنان خواهند توانست با الهام‌گیری از این نمونه و الگو لغات و اصطلاحات را به فارسی برگردانند و فرهنگستان نیز خواهد توانست با ساز و کار مدیریتی خود در حوزه واژه‌گزینی کار تشخیص و تصویب و تثبیت معادل‌های فارسی مناسب را سرعت و سامان بخشد.